

مقدمه

امنیت خصوصی^۱ دارای آثار قابل توجه بر جبهه پیشگیری از جرم است. در آمریکا و کانادا، کارکنان آژانس‌ها، واحدهای ایمنی و امنیتی و موسساتی که به تولید، فروش یا نصب تجهیزات حفاظتی می‌پردازند، از تعداد کارکنان پلیس، قضات کیفری و کارکنان زندانها بیشتر است. اما عجیب آن است که این کنشگران پیشگیری از جرم مدتها مورد توجه ناظران و جرم شناسان نبوده‌اند.

نگهبانها و کارگزاران امنیت و سایر عوامل مراقبت و نظارت هر روزه نقش مهم و بی‌سروصدایی در مبارزه با جرایم کوچک انجام می‌دهند و در فروشگاههای بزرگ، مراکز بازرگانی، علیه سرقت از فروشگاهها از جمله، سرقت‌های ارتكابی توسط کارکنان، انواع تقلبات و ویران‌گری (تخریب) مبارزه می‌کنند و در بیمارستان‌ها، منزلها و در مراکز خرید، مراقب هستند. وقتی صاحبان این مراکز متوجه کارایی محدود پلیس ملی می‌شوند، به امنیت خصوصی متوسل می‌شوند. بدین‌سان است که در طول سده بیستم شیوه کنترل اجتماعی بدیعی ظهور کرده است که باید خود را با اقتصاد بازار منطبق می‌کرد و چون اغلب نگهبانان امنیت، حق حمل اسلحه و نگهداری (توقیف) یک مظنون را نداشته، باید بدون توسل به وسایل قهرآمیز، نتایج خوبی از کارشان کسب می‌کردند. تحت تاثیر رقابت، کارشناسان امنیت خدمات بسیار متنوعی را عرضه کردند و کارگزاران امنیت خصوصی چون ممنوع از سرکوبی هستند، بنابراین متوسل به اشکال تجربی پیشگیری وضعی شدند. به هر حال امنیت خصوصی خوب شناخته و فهمیده نشده است. ابتداء باید ماهیت خاص آن، اهمیت آن و کارکردهای

تقریرات درس

جرم‌شناسی

(امنیت خصوصی)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم

عباس غنی‌زاده

سال تحصیلی ۸۲ - ۱۳۸۱

۱. این بحث بخشی از مطالب مطرح شده در درس جرم‌شناسی برای دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی در نیمسال نخست سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ بوده است.

آن بررسی شود، سپس شکوفایی و توسعه آن، ارائه گردد و بالاخره به دو گرایش نویدبخش در زمینه امنیت خصوصی اشاره شود.

تعریف امنیت خصوصی

کاربرد اصطلاح «امنیت خصوصی» وقتی که صحبت از یک آژانس نگهبانی شود نظارت بر یک مرکز تجاری یا سرویس ایمنی شرکتی است، مشکلی ایجاد نمی‌کند. اما در عمل و عرفاً خدمات معمول برای حمایت از شرکت‌های دولتی مثل بانک‌های ملی شده یا شرکت برق و واحدهای عمومی مانند بیمارستانها یا فروشگاهها نیز جزء قلمرو امنیت خصوصی گنجانده می‌شوند. اینها در واقع دستگاههای «نیمه خصوصی - نیمه عمومی» هستند. اما تکلیف کارکنانی که مامور تامین امنیت در تأسیسات دولتی هستند چه می‌شود؟

این مؤسسات جزو بخش دولتی هستند اما کماکان باید آنها را به امنیت خصوصی تشبیه کرد. وجه مشترک مؤسساتی که عرف، آنها را در قلمرو «امنیت خصوصی» آورده است چیست؟ پاسخ این است که این قبیل مؤسسات، امنیت مشخص و نشانه گرفته شده‌ای را تأمین می‌کنند؛ حمایتی که آثارش مربوط به یک مشتری خاص یا یک محل خاص می‌گردد؛ حال آن که ماموریت پلیس ملی (دولتی) تحکیم امنیت در همه جامعه است. آژانس، واحد یا سرویس امنیت خصوصی، فقط منافع مشتری خود را تأمین می‌کند و فقط به وی حساب پس می‌دهد. امنیت خصوصی، در واقع یک امنیت ویژه و اختصاصی است و شامل تامین نیازهای مشتری می‌شود که خود او آنها را تعیین و تعریف می‌کند. امنیت خصوصی در حقیقت رابطه تغذیه کننده «امنیت» و «مشتری» است. امنیت عمومی، مسئولیت‌های گسترده‌تری را تضمین می‌کند و چتر خود حمایتی خود را نسبت به همه جا توسعه دهد و در همه جا برای رعایت قانون اقدام می‌کند و متخلفان و مجرمان را شناسایی و دستگیر می‌کند.

تفاوت بین امنیت خصوصی و پلیس عمومی (دولتی) در تعریفی نهفته است که نوبت در سال ۱۹۹۲ ارائه کرده است: وقتی جنبه‌های مهم امر تنظیم، سامان‌دهی و حل و فصل اجتماعی توسط نهادی تضمین می‌شود که به نام گروه و جمع عمل می‌کند و امکان استفاده از نیروی فیزیکی نیز در آخرین مرحله وارد یک کارکرد و رسالت پلیسی وجود دارد. این کارکرد برای سازمان و تشکیلات سیاسی (حاکمیت) ضروری است.

۱. امنیت خصوصی به نام گروه اقدام نمی‌کند، بلکه به نام مشتری عمل می‌کند؛
۲. امنیت خصوصی استثنائاً اختیار استفاده از زور را کسب می‌کند و قبل از هر چیز نظارت و مراقبت و در نهایت پیشگیری می‌کند؛
۳. امنیت خصوصی، در قلمرو سیاسی قرار ندارد، بلکه عمدتاً تحت مقررات و شرایط بازار عرضه و تقاضا قرار دارد. با توجه به این نکات می‌توان امنیت خصوصی را تعریف کرد:

امنیت خصوصی یا ویژه یا اختصاصی، مجموعه امکانات و وسایلی است برای حفاظت از اشخاص و اموال و نیز حفاظت از اطلاعاتی که متخصصان با هدف پاسخ دادن به نیازهای ویژه سازمان‌ها به آنها ارائه می‌دهند.

خانم Four caudot ۱۹۸۸ از امنیت خصوصی تعریف دیگری ارائه می‌دهد: مجموعه فعالیت‌ها و اقدام‌هایی است که هدف حفاظت از اشخاص، اموال و مجموعه اطلاعاتی‌ای را دنبال می‌کند که در چارچوب بازاری رقابتی با هدف سودآوری ارایه می‌شود و در آن کارکنان امنیت خصوصی از نظر قانون، مسئولیت‌های کارمندان در خدمت دولت را به عهده نمی‌گیرند.

این تعریف در واقع غایت اولیه امنیت خصوصی را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ حمایت، حفاظت از اشخاص، اموال و اطلاعات در مقابل خطر. بزرگترین سفارش‌دهندگان امنیت خصوصی، سازمان‌ها و تشکیلات مؤسسات بازرگانی،

جرم‌شناسی ۱۰۴۱

کارخانجات، موسسات آموزشی و وزارتخانه‌ها می‌باشند. واژه «متخصص» برای کناره گذاشتن موارد خودحمایتی، خودحفاظتی است که در کار روزانه شرکت‌ها یا کسبه به طور خود جوش وجود دارد.

وسعت پدیده امنیت خصوصی

تحقیقی در سال ۱۹۹۵ محاسبه کرده است که تعداد کارکنان بخش امنیت خصوصی ده کشور اروپایی بالغ بر حدود نیم میلیون نفر می‌شود؛ حال آن که تعداد پلیس ملی این کشورها بالغ بر یک میلیون است. این کشورها عبارتند از: بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، بریتانیای کبیر، هلند، پرتغال، اسپانیا و سوئد. در اروپا، افزایش تعداد شرکت‌های نگهداری خصوصی، به ویژه از آغاز سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، قابل توجه است.

در فرانسه، حدود صد هزار نفر در بخش امنیت خصوصی به عنوان عامل، کارمند و کارشناس کار می‌کنند. اگر فروشندگان، تکنیسین‌ها و نصب‌کنندگان دستگاههای امنیت و ایمنی را به آن اضافه کنیم، رقم ۱۰۰،۰۰۰ نفر احتمالاً کم خواهد بود. بیشترین رقم، مربوط به شرکت‌های متخصص نگهداری و مراقبت و نظارت است. در مقایسه، تعداد مأموران پلیس و ژاندارمری در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۲۲۰،۵۰۰ نفر می‌شده است.

در کانادا، تعداد ۱۲۱،۴۲۵ نگهبان امنیت، تحقیق کننده و کارآگاه خصوصی در سال ۱۹۹۱ وجود داشته است. تعداد کارکنان امنیت خصوصی دو برابر پلیس بوده است. در کبک، بیش از ۶۰۰،۰۰۰ نفر به عرضه وسایل یا خدمات در زمینه امنیت کمک می‌کنند که نگهبان، کارگاه تولید کننده، فروشنده و نصب کننده تجهیزات امنیتی، ایمنی، حمل کنندگان وجوه، مدیران، مشاوران، محافظان هستند. بیش از ۱۰۰۰ موسسه خدمات امنیت خصوصی یا تحقیقات در مورد جرایم و مجرمان ارایه

۱۰۴۲ مباحثی در علوم جنایی

می‌دهند. تنها، برای قلمرو عوامل امنیت قراردادی در سال ۱۹۸۸، تعداد ۲۳،۵۴۰ مجوز، برای عوامل امنیت خصوصی در کبک وجود داشته و در مقابل، تعداد ۱۳،۶۸۶ مأمور پلیس به کار مشغول بوده است.

بازار امنیت خصوصی

امنیت خصوصی تحت منطق بازار عرضه و تقاضا قرار دارد. خدمات تامین امنیت داخلی موسسات دولتی تا حدی خارج از مقررات و شرایط بازار قرار دارند، ولی رقابت عوامل برونی را احساس می‌کنند. این بازار تحت سلطه تقاضای پیشگیری از بزهکاری است و سرکوبی کیفی جای کمی در آن دارد. در واقع بیشتر، وسایل نظارت، کنترل ورودی و خروجی و تقویت آماج‌ها (سیبل‌های جرم) مهم است. و ارائه خدمات نگهداری و مراقبت از خدمات تحقیقات و کارآگاهی بیشتر است و در هر ساعتی از روز خدمات ارایه می‌دهند. در اینجا صحبت از امنیت قراردادی یا پیمانکاری است و نوعی رابطه فروشنده و خریدار وجود دارد. تولیدات و خدمات امنیتی خصوصی نیز تحت تاثیر نوآوریهای فن‌آورانه متحول شده است.

حوزه ماموریتی که به گروه (تیم) امنیت سپرده می‌شود، معمولاً گسترده است: حفاظت از یک کارگاه یا فضا و کسانی که در آن کار می‌کنند، در مقابل سرقت، تقلب، گروگان‌گیری، بمب‌گذاری و نیز در مقابل حریق، تصادفات فنی و بحران‌های مختلف (آب گرفتگی، نشست مواد خطرناک و

کارکردهای امنیت خصوصی

در این زمینه پنج نوع کارکرد از هم قابل تفکیک است:

۱. نظارت و مراقبت: حفاظت و نگهداری از یک کارگاه، نگهداری، مراقبت، گشت‌زنی، که بیش از پیش از وسایل فنی برای افزایش دامنه دیدشان استفاده می‌کنند.

جرم‌شناسی ۱۰۴۳

زنگ خطر، آشکار کنندگان، دوربین‌ها، روشنایی، چشم الکترونیکی، علامت با کد الکترونیکی، آینه، خواندن کدهای لیزری برای ورود و خروج و...؛

۲. کنترل ورودی‌ها و ایجاد مانع برای ورود: مراقبت از ورودی کارگاه، در، قفل، حصار، دیوار، نرده، شیشه، کارت‌های ورودی، سیستم الکترونیکی و باز کردن درها؛

۳. تحقیقات و کارآگاهی: جستجو و شناسایی مرتکبان جرم، بازجویی، نفوذ در شبکه‌ها، ردگیری، نصب دوربین مخفی و...؛

۴. حمل و جوهات با نگرانی و مراقبت مسلحانه؛

۵. مداخله که با کشف یک حادثه، خطر یا یک بزهکار شروع می‌شود. مداخله، بر حسب این که متخلفان و مجرمان، کارکنان موسسه هستند یا مشتری آن، یا یک غریبه یا یک فرد تکرار کننده متفاوت است.

کارکنانی که به هنگام تخلف و ارتکاب جرم دستگیر شوند، در معرض ضمانت اجراهای انضباطی قرار می‌گیرند و یا اخراج می‌شوند یا مورد تعقیب مدنی یا کیفری قرار می‌گیرند. در فروشگاه‌های بزرگ، سرویس‌های مسئول امنیت سارق را دستگیر و متوقف و هویت او را شناسایی می‌کنند، سپس سارق باید، فرمی را پر کند. لذا از وی می‌خواهند که کالا و جنس مسروقه را پس بدهد و اگر صغیر باشد، والدینش را مطلع می‌کنند.

نگرانی‌ها و بحث‌های مربوط به امنیت خصوصی

مشروعیت امنیت خصوصی بحث‌انگیز است این اندیشه‌ی که بازار بتواند در قلمرویی که در صلاحیت انحصاری و ویژه دولت است، وارد شود، برای عده‌ای ناگوار و نامطلوب است. وارد شدن منطبق سود و ملاحظات انتفاعی در زمینه فعلیتی که به طور سنتی مربوط به رفاه و آسایش هم است، نیز قابل قبول نیست، زیرا این امر در

۱۰۴۴ مباحثی در علوم جنایی

واقع تهدیدی برای حقوق و آزادی‌ها است و خدمات منافع شخصی به ضرر منافع عمومی و جمعی است و تجربه قانونمندی همراه با تردید می‌باشد.

موضوع نگرانی شدید دیگر ناشی از وسایلی است که فن‌آوری مدرن در اختیار موسسات امنیت خصوصی قرار می‌دهد. آیا اینها ما را به سوی جامعه قابل رویت از همه جا سوق نمی‌دهد؟ (مراقبت و نظارت در همه جا و از همه جا) بدین ترتیب، خلوت افراد همواره به بهانه تامین امنیت، در معرض خطر قرار نمی‌گیرد؟ آیا کنترل امنیت خصوصی و متولیان آن، مشکلتر از کنترل پلیس و کارکنان آن نخواهد شد؟ در امنیت صنعتی، نظارت یک فعالیت مرکزی است. تشبیه تامین امنیت در بخش صنعتی به نظارت همه‌گیر و همه جا و اقتدارگرایی فراگیر در قلمرو مراقبت درست نیست. اما باید به دولت قانونمدار اشاره کرد، زیرا در این گونه دولت‌ها، عوامل و کارکنان امنیت خصوصی، حق بازجویی، حق بازدید بدنی، حق استفاده از اسلحه و زور را ندارند. در غیر این صورت تعقیب قضایی می‌شوند. از طرف دیگر، موسسات امنیت خصوصی در مقابل پلیس ملی، دولت، دستگاه قضایی، رسانه‌های گروهی و از همه مهمتر موسسات امنیت دیگر قرار دارند. در واقع بین این موسسات رقابت شدیدی وجود دارد و ... دولت بیشتر از سوء استفاده‌های پلیس در وحشت است تا از موسسات خصوصی فعال در زمینه امنیت. حتی ممکن است پلیس خصوصی، ما را از شکل‌گیری و ظهور تدریجی یک دولت پلیسی که دشمن و نقطه مقابل دولت قانونمدار است، رها سازد. دولت پلیسی شده یعنی گسترش کارکنان پلیس و اعطاء اختیارات گسترده و متنوع به پلیس دولتی.

به موجب نظر South (۱۹۸۸)، عوامل و کارگزاران امنیت خصوصی در جهت ارتقاء کیفیت و کمیت منافع و نیازهای مشتریان خود کار می‌کنند. بیشتر، به امنیت بخش تحت کنترل و مراقبتشان کمک می‌کنند و توجه دارند، به امنیت عمومی کمتر کمک می‌کنند زیرا ارتکاب بخش مهمی از جرایم با حضور آنان پیشگیری می‌شود و

جرم‌شناسی ۱۰۴۵

در واقع جابجا می‌شوند و در جاهای دیگر اتفاق می‌افتند. اما، واقعیت این است که امنیت خصوصی با ارائه خدمات به افراد و موسسات خصوصی، ناخواسته به آسایش و رفاه عمومی نیز کمک می‌کنند. جابجایی جرایم همیشه کامل و صددرصد نیست. از سوی دیگر، اقدام‌های پیشگیرانه که امنیت خصوصی را در فصل و مکان محل مأموریت خود تامین می‌کنند، سبب کاهش جرایم در اطراف آن محل نیز می‌گردد.

کمک بزرگ امنیت خصوصی به امنیت عمومی، در واقع کاهش تعداد سبیل‌های جالب و جذاب برای سارقان و بزهکاران است. بدین ترتیب آماج‌های آسیب‌پذیر در مقابل بزهکاری، مصون می‌شوند و چنین جرایمی کمتر اتفاق می‌افتند، چون مناسبت و فرصتهای مجرمانه کمتر می‌شود.

آورده امنیت خصوصی به منافع جمعی و جامعه، عامل دارایی و اقتصادی است. با پیشگیری از ورود خسارات به موسسات خصوصی، به سلامت فعالیت‌ها و اشتغال و سودآوری آنها کمک می‌کند.

آیا امنیت خصوصی، متعلق به ثروتمندان و حفاظت از اموال آنان است؟ این واقعیتی است که قشرهای کم درآمد و موسسات خصوصی ضعیف به امنیت خصوصی دسترسی ندارند یا دسترسی‌شان کمتر است، به ویژه این که افراد کم درآمد و بی بضاعت بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند. بنابراین وجود دستگاه سرکوبگر کیفری پلیسی برای کم کردن بی‌عدالتی‌ها و بزه‌دیدگی در مقابل جرایم برای حمایت و حفاظت از همه کماکان ضروری است.

معدالک، باید گفت وسایل و امکانات معمول در بخش امنیت خصوصی روی هم‌رفته ارزان شده است و برای همه اقشار قابل دستیابی است.

آیا درمورد تقوا و درستکاری مأموران امنیت خصوصی تردیدی وجود ندارد؟ آیا مأموران امنیت خصوصی به اندازه کافی سلامت اخلاقی و یا صلاحیت کاری دارند.

۱۰۴۶ مباحثی در علوم جنایی

برای تحقق این هدف، گزینش نگهبانان و مراقبان افراد و موسسات خصوصی می‌تواند از سوء استفاده‌های احتمالی ممانعت کند.

دلیل ظهور امنیت خصوصی و گسترش و شکوفایی این صنعت

به هر حال بازار امنیت خصوصی تبدیل به نیرو و وزنه‌ای شده که باید به آن توجه کرد. لذا سه فرضیه در خصوص ظهور و گسترش این صنعت ارائه شده است:

۱. گسترش امنیت خصوصی مصادف با گسترش و توسعه مالکیت خصوصی در سطح وسیع است و منظور، مراکز بزرگ تجاری، صنعتی، و مجتمع‌های مسکونی است که بر روی عموم باز است. اما چرا موسسات و نهادهای عمومی که خصوصی نیستند، نیز متقاضی امنیت خصوصی‌اند؟

۲. امنیت خصوصی در فرانسه تحت تاثیر مقررات شرکت‌های بیمه توسعه یافته است. به این صورت که، شرکت‌های بیمه بر روی مشتریان خود فشار آوردند تا خود و اموال را در برابر بزهکاری محافظت کنند و الا بیمه نخواهند شد. بیمه‌ها موسسات خصوصی را مجبور کردند تا نگهبان و سرایدار، استخدام کنند و تجهیزات حفاظتی در برابر بزهکاری در موسسات و مکانهای خود نصب کنند. بیمه‌گرها، تحمل نمی‌کنند که آن دسته از مشتریان‌شان که بیشتر در معرض جرم هستند به این امید که شرکت بیمه خسارت را خواهد پرداخت، پیشگیری از وقوع جرم علیه خود را دست کم بگیرند. شرکت‌های بیمه سیستم‌های نظارت تلویزیونی را برای مشتریان خود تکلیف می‌کنند. بدیهی است که بیمه‌گران عرضه و تقاضای امنیت را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند.

اما در انگلستان، شرکت‌های بیمه نقش مهمی در امنیت فروشگاهها و مراکز خرید ایفاء نمی‌کنند و بر صاحبان آنها هم فشار نمی‌آورند که خود را حفاظت کنند.

بدین ترتیب، دو فرضیه فوق‌الذکر این توسعه را کاملاً توجیه نمی‌کند. آیا بازار امنیت خصوصی در پاسخ به تهدیدی که علیه متقاضیان امنیت وجود دارد، توسعه یافته است؟

۳. نظریه وان جیک (۱۹۹۵) که کاملتر است، از این دیدگاه دفاع می‌کند که امنیت خصوصی معاصر کارکرد و نقش نظارتی‌ای ایفا می‌کند که در گذشته به طور نامشخص توسط افراد متفرقه انجام می‌شده است. در واقع، در گذشته‌ای نه چندان دور، سرایدار، کنترل‌کنندگان بلیط در اتوبوس، فروشندگان در فروشگاهها مراقبان و نگهبانان، آموزگاران در مدارس، نظم را در منطقه کوچک خود ضمن پرداختن به وظیفه اصلی خود تضمین و تامین می‌کردند. از آغاز سالهای ۱۹۶۰، برخی از این مسوولیت‌ها حذف شده و بعضی دیگر از ماهیت نظارتی خود تهی می‌شوند. افزایش میزان حداقل حقوق، کارفرمایان را تشویق می‌کند تا سرایداران، دربان یا نگهبان خود را اخراج کنند. به موازات آن، آن دسته از کارکنانی که شغل اصلی آنها مراقبت و نظارت نیست، اکراه داشتند تا کار نظارت، مراقبت و حفظ نظم را انجام دهند (به ویژه در مدارس). نتیجه این تحولات، افزایش بزهکاری بود. برای مقابله با آن، موسسات و سازمانها بیش از پیش نیروهای حافظ نظم (پلیس) را طالبند. این نیروها زیر فشار تقاضاها ناتوان از متوقف کردن افزایش بزهکاری هستند. به ویژه این که به موازات آن، تعداد مأموران پلیس‌ها افزایش داده نمی‌شوند. این وضعیت، موسسات و سازمان‌ها را سوق می‌دهد تا برای حفاظت از خود، پول پردازند. از طریق تخصصی شدن و در سایه تکنولوژی، امنیت خصوصی کارا تر و موثرتر از گذشته است.

بازار و امنیت خصوصی وارد قلمرو صلاحیت پلیس ملی نمی‌شود، بلکه در واقع کارکرد نظارتی را که در جامعه مدنی بی‌متولی بوده است و موقتاً پلیس متقبل آن شده بود را به عهده می‌گیرد.

تلاقی نیازهای واقعی به امنیت و عرضه خدمات ایمنی

از نظر صرف منطق اقتصادی، وجود خود بازار امنیت مستلزم تقاضایی است که خود بخاطر یک ناامنی واقعی است. شکوفایی بازار امنیت ناشی از تلاقی (ملاقات) یک نیاز واقعی امنیت احساس شده در دنیای بازرگانی و یک عرضه خصوصی امنیت که جالب‌تر است، می‌باشد.

بزه‌دیده واقع شدن موسسات خصوصی

واقعیت تهدیدهایی که بر متقاضیان امنیت سنگینی می‌کند، به هنگام بررسی تحول فرایند بزه‌دیده واقع شدن موسسات خصوصی ظاهر می‌شود.

بزهکاری در کشورهای صنعتی غرب سال‌های ۱۹۶۰ قویاً افزایش یافته است. بخش بازرگانی خصوصی بیشتر قربانی بزهکاری واقع می‌شود؛ مثلاً فروشگاهها ده برابر بیشتر از خانه‌ها مورد سرقت واقع می‌شوند.

فروشگاههای بزرگ زنجیره‌ای شدیداً قربانی بزهکاری هستند و بنابراین متقاضی عمده خدمات امنیت می‌باشند و جرایم ارتكابی در فروشگاههای بزرگ و مراکز تجاری بسیار متنوع‌اند. در میان این جرایم چند نوع جرم قابل تشخیص از هم هستند.

۱. سرقت از فروشگاهها و تقلبات ارتكابی توسط مشتریان یا بازدیدکنندگان؛
۲. جرایم کوچک و تکدی، اعتیاد به الکل، قاچاق، مصرف مواد مخدر، ویرانگری (تخریب واندالیسم) تجمع، سرو صدا و دعوا و مشاجره؛
۳. سرقت‌های ارتكابی توسط کارکنان؛
۴. سرقت‌های ارتكابی علیه مشتریان: سرقت‌ها از ساک و کیف مشتریان، جیب‌زنی و کف‌زنی از مشتریان؛
۵. سرقت با شکستن حرز؛

جرم‌شناسی ۱۰۴۹

۶. خشونت؛ حمله مسلحانه، تعرض علیه مشتری، ایجاد حریق عمدی، غارت کردن، ...

فروشگاهها سعی می‌کنند خود، این مسائل مجرمانه را حل کنند. مساله‌ای که تقاضای امنیت را افزایش داده است، حجم جرایم کوچک و اعمال و رفتارهای غیرمردمی است که علیه مراکز تجاری و فضاهای نیمه عمومی اتفاق می‌افتد. برای حفظ کیفیت زندگی و کار در این محیطها، می‌بایستی این اعمال را پیشگیری کرد یا آنها را به آرامی مدیریت نمود.

چرا کسبه و مدیران موسسات خصوصی ترجیح می‌دهند به امنیت خصوصی متوسل شوند تا به خدمات پلیس یا دادگستری؟ چرا نمی‌خواهند به ساز و کارهای کنترل‌های اجتماعی بیشتر رسمی متوسل شوند؟ زیرا این مراجع آمادگی رسیدگی کمتری به این مراجعات را دارند. در طول سالها، مشخص شد که پلیس و دادگاهها بیش از پیش به تقاضاهای آنها کمتر توجه می‌کنند و کم‌کم از رسیدگی به جرایم کوچک و متوسط شانه خالی می‌نمایند. این گرایش را تحقیقات راجع به موارد توسل و رجوع به پلیس در زمینه سرقت از فروشگاهها نشان می‌دهند. در آمریکا، محققان محاسبه کردند که ۷۴٪ از شش هزار سرقت ارتكابی در فروشگاهها که توسط عوامل امنیت خصوصی کشف می‌شوند به پلیس اعلام نمی‌شود. در کبک، پژوهشگران چند صد پرونده را در یک آژانس و سرویس خصوصی امنیت بررسی کردند، با این هدف که مواردی که منجر به شکایت نزد پلیس می‌شود و مواردی که به پلیس شکایت نمی‌شود را از هم تفکیک کنند. از این تحقیق چنین بر می‌آید که مظنونینی به پلیس معرفی می‌شوند که خسارت نسبتاً مهمی علیه شرکت یا فروشگاه وارد کرده باشند. مظنونینی که از همکاری خودداری می‌کنند، بزهدکار مکرر هستند و کارمند موسسه مربوطه نیستند. در منطقه پاریس، ۹۵٪ از سرقت‌های کشف شده، در فروشگاههای

۱۰۵۰ مباحثی در علوم جنایی

بزرگ توسط عوامل امنیت خصوصی، از اطلاع پلیس کاملاً خارج باقی می‌مانند. مواردی که به پلیس اعلام شده است، این خصوصیات را داشتند:

۱. ارزش مال مسروقه نسبتاً بالا است؛ ۲. سارق با یک یا چند شریک اقدام کرده است؛ ۳. با چنان مهارتی مرتکب سرقت شده که همانند سارق مکرر است؛ ۴. بزهدکار مکرر است؛ ۵. علیه عوامل امنیت خصوصی در فروشگاهها طغیان و تهدید کرده است؛ ۶. واقعیت‌ها و اعمال ارتكابی را منکر می‌شود و از افشای هویتش خودداری می‌کند.

عملاً یک تفکیک کار بین پلیس ملی (رسمی) و امنیت خصوصی به عمل می‌آید: پلیس معمولاً به جرایم ارتكابی در معابر، جرایم خشونت آمیز، سرقت‌های مشدد، جرایم سازمان‌یافته و پرونده‌های مواد مخدر می‌پردازد. واحدهای خصوصی امنیت به اعمال و رفتارهای غیرمردمی و جرایم کوچک ارتكابی علیه موسسات خصوصی و فروشگاهها می‌پردازد. از آنجا که امنیت خصوصی ارزانتر از پلیس ملی است، این تقسیم کار به بخش دولتی و ادارات عمومی نیز تسری پیدا کرده است. موزه‌های ملی، وزارت خانه‌ها و واحدهای دولتی به عوامل نگهبانی برای حفاظت از سایت‌ها و فضاهای خود متوسل می‌شوند. در کانادا حقوق پلیس دو برابر بیشتر از حقوق نگهبانان شاغل در بخش امنیت خصوصی است. راه‌حل کیفری عمومی نیز دارای مشکلاتی است. راه‌حل کیفری عمومی در سطح اندکی با خصوصیات هر سایت منطبق است زیرا پلیس، دادستانها و قضات متمایل به واکنش قانونی و کلیشه‌ای هستند. ممکن است عیب دیگر اقدام کیفری این باشد که برچسب زنده و آبرو برنده و آنگ زنده باشد. وقتی دستگاه کیفری به حرکت درمی‌آید، دست عدالت بلافاصله بر سر مظنون فرود می‌آید و بزه دیده کنترل فرایند کیفری قضایی را در واقع از دست می‌دهد.

جرم‌شناسی ۱۰۵۱

اندک هستند مدیران موسساتی که حاضر باشند مشکلات کارمندان آنها آشکار شود. آنها ترجیح می دهند حتی المقدور مسأله به طور محرمانه بدون سر و صدا از طریق اخطار، سرزنش، معلق کردن، پرداخت خسارت یا اخراج حل و فصل شود.

حالا می فهمیم چرا شرکت‌ها و موسسات خصوصی بر اساس اصل خصوصی سازی، برای حفاظتی انعطاف پذیرتر، بی‌سر و صداتر و منطبق با نیازهای فوری خود که عدالت عمومی نمی‌تواند عرضه کند، متوسل به امنیت خصوصی و بعضاً عدالت غیررسمی و محلی می شوند.

امنیت نامشخص گذشته، تحت تحولی سه‌گانه کم‌رنگ شده است: ۱. تعداد کارکنان مثل سرایداران و نگهبانان کم شده‌اند؛ ۲. کارکنان بیش از پیش به کار مراقبت و نظارت علاقه ندارند؛ ۳. مساحت زیاد فروشگاههای بزرگ برای اعمال کنترل‌های غیررسمی مستعد نیستند.

آیا امنیت خصوصی به نیازهای امنیت پاسخ می دهد؟

اصولاً، مؤسسات مورد حمایت توسط یک سرویس یا یک آژانس امنیت خصوصی باید بزه‌دیدگی کمتری را نسبت به بقیه مؤسسات متحمل شوند. این موضوع را می‌توان با بررسی فراوانی بزه‌دیدگی در انواع مختلف مؤسسات خصوصی ملاحظه کرد. دو گروه در دو نقطه مخالف ظاهر می‌شود: از یک سو، بانکها که روی هم‌رفته مصون شده‌اند (در فرانسه، فقط ۱۹٪ از سرقت‌های مسلحانه علیه بانک‌ها و مؤسسات مشابه است) و از سوی دیگر، فروشگاههای بزرگ و مغازه‌های کوچک که از بزه‌دیدگی بالایی رنج می‌برند (در هلند، ۴۸٪ از کسبه فعال در زمینه مواد غیرغذایی بزه‌دیده واقع می شوند به ویژه کسبه‌ای که در محله‌های سخت و مساله‌دار کار می‌کنند).

۱۰۵۲ مباحثی در علوم جنایی

چرا بانک‌ها کمتر بزه‌دیده می‌شوند؟ علت این است که بانک‌ها می‌توانند بهترین موسسات امنیت خصوصی را به استخدام خود درآورند. موسسات اعتباری و مالی توانایی مادی استفاده از فن‌آوری‌های پیشرفته را دارند؛ مثل سیستم‌های نظارت تلویزیونی، آشکارکنندگان پیشرفته، درهای ورودی و خروجی هوشمند و بانک‌ها ثابت کرده‌اند که با امکانات مادی که دارند می‌توانند خود را علیه جرم محافظت کنند، به شرط آن که در مورد تامین امنیت، کوتاهی نکرده باشند.

در طرف دیگر، بخش مغازه‌های کوچک و بازرگانی خرد را داریم. فروشگاههای بزرگ مرتب بزه‌دیده واقع می‌شوند، کالاهایی که جاذبه دارد در قفسه‌ها چیده شده‌اند و مشتریان خود کالا را انتخاب و بر می‌دارند. این فروشگاهها بر روی عموم باز است، و مساحتشان آنقدر زیاد است که نظارت طبیعی بر آن منتفی است. این موضوع یک انتخاب اقتصادی است. به نظر می‌رسد که چیدن کالاها و قرار دادن آنها در معرض دید مشتریان، میزان فروش را بالا می‌برد و بنابراین حتی اگر سرقت بالا رود باز هم ارزش دارد. اما در فروشگاههای بزرگ کیفیت و وسایل تامین امنیت از طریق بخش خصوصی مناسب نیست، چون امکانش را از نظر مادی ندارند.

بدین ترتیب می‌توان گفت که موسسات خصوصی و فروشگاههایی که بیشتر بزه‌دیده واقع می‌شوند چهار خصیصه دارند: ۱. قفسه‌ها را پر از کالاها و اجناس وسوسه کننده می‌نمایند؛ ۲. نظارت و مراقبت در آنها به طور طبیعی نیست؛ ۳. بر روی همه مردم از اقشار مختلف باز است؛ ۴. مالکان آنها امکانات لازم را برای پرداختن هزینه‌های امنیت خصوصی ندارند یا نمی‌خواهند امنیت خصوصی را به استخدام خود درآورند، حال آنکه که از نظر کیفیت، این عوامل، آسیب پذیری آنها را خنثی می‌کند.

دو گرایش در تحول امنیت خصوصی

دو تحول جدید در مورد آینده امنیت خصوصی مهم است. یکپارچه شدن روزافزون تکنولوژی‌ها (فن‌آوری‌ها) و توسعه امر کارشناسی بیش از پیش ظریف و دقیق.

دهه ۱۹۹۰ مصادف است با کاهش نسبی تعداد عوامل امنیت که با روش سنتی کار می‌کردند و افزایش موارد استفاده روزافزون از تکنولوژی‌ها و بویژه جذب و یکپارچه کردن آنها. در آمریکا و انگلستان، تعداد مأموران پلیس ملی کم می‌شود و همزمان موارد فروش تجهیزات مختلف ایمنی و حفاظتی افزایش پیدا می‌کند.

پویایی فن‌آوری در سه بخش خود را نشان می‌دهد: ۱. سیستم‌های هشدار دهنده خطر و کشف (آشکار) کنندگان با اشعه آشکار کنندگان مواد مخدر؛ ۲. سیستم‌های نظارت و مراقبت تلویزیونی، دوربین‌های نظارتی، دوربین‌های مخفی، مرکز نظارت و مراقبت و کنترل؛ ۳. سیستم‌های کنترل ورودی‌ها (شناسایی) از طریق کارت‌های مغناطیسی، کارت‌های هوشمند و

جالب توجه‌ترین تحول، یکپارچگی روزافزون تجهیزات مختلف در سایه فن‌آوری‌های ارتباطات، الکترونیک و انفورماتیک است. یک مرکز واحد مراقبت و کنترل تلویزیونی، زنگ خطر و کنترل ورودی‌ها می‌تواند علائم چندین منبع مختلف را دریافت کند. آشکار کنندگان، دوربین‌ها، ورودی‌های کنترل شده با کارت‌های سیم‌دار، تلفن، عوامل انسانی و ... کامپیوترهای کوچک مجهز به دستگاههای تخصصی به مسئول امنیت کمک می‌کند تا اطلاعات دریافتی را به طور سریع کنترل و پردازش کند و سریعاً پاسخ مناسب را مجسم و بسیج نمایند. با توجه به این که وقایع و موارد مداخله ثبت شده است، می‌تواند آنها را نگهداری و سپس به طور دوره‌ای به طور زیر تحلیل کنند و مسائل و ضعف‌ها را بررسی کنند.

معذک، محدوده‌های تکنولوژی و معایب آن غیرقابل بحث است؛ مثلاً به صدا درآمدن بیهوده زنگ خطر. زمانی این تجهیزات مدرن مثل کنترل تلویزیونی مناسب

هستند که همراه با مداخله انسان باشند و صلاحیت عواملی که با آنها کار می‌کنند و تناسب با سایت مورد حفاظت مهم است.

مهم این است که بتوان چهار منبعی که می‌تواند در خدمت امنیت گذاشته شود هماهنگ کرد: ۱. فن‌آوری؛ ۲. عوامل امنیت؛ ۳. کسانی که روی سایت و محل تامین امنیت کار می‌کنند؛ ۴. محل‌های فیزیکی که موقعیت آنها اجازه تسهیل امر نظارت و کنترل را می‌دهد. این هنر مستلزم درک مساله، سایت و «دشمن» یعنی بزهکاران است. باید هوشمندانه تجهیزات را آرایش داد. موقعیت در امنیت خصوصی با هوشیاری و اطلاعات میسر است. در هر حال تجهیزات ایمنی و امنیتی باید توسط ذینفعان پذیرفته شده باشند و با سازمان و مکانی که در آنجا نصب می‌شود منطبق و سازگار باشند. اگر تجهیزاتی، مزاحم تلقی شوند زود خنثی خواهند شد؛ مثل نصب و استقرار جسم خارجی در بدن تحلیل جرم شناختی برای اتخاذ استراتژی و راهبرد مناسب در پیشگیری باید به طور روش‌مند این اطلاعات را قبلاً جمع‌آوری کند: اطلاعات در مورد ۱. جرایم ارتكابی در سایت (محل) مورد نظر؛ ۲. مرتکبان آنها؛ ۳. بزه‌دیدگان آنها؛ ۴. علل آنها؛ ۵. وضعیت‌های پیش‌جنایی و ماقبل بزهکاری؛ ۶. تجهیزات امنیتی کنترل که از قبل در محل موجود است؛ ۷. آسیب‌پذیری‌های اشخاص و اموال و اشیا. با تکیه بر تحلیل این اطلاعات است که یک استراتژی (راهبرد) پیشگیری منطبق با موضوع ممکن است طرح‌ریزی و به اجرا گذاشته شود و بالاخره کارایی و برون داد آن ارزیابی گردد.

در این زمینه رقم و عدد — کمیت — برای اندازه‌گیری دقیق مسائل و ارزیابی تاثیر و بیان راه‌حل‌ها و راه‌کارها مهم است.

در پرتو رایانه، کار ارزیابی و بیان‌گیری آسان و ساده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های امنیتی ضبط شده، به رقم درآوردن برآورد خسارات ناشی از سرقت و نتایج و سودهای ناشی از پیشگیری و

جرم‌شناسی ۱۰۵۵

بدین ترتیب به حق می‌توان گفت که در کشورهای صنعتی غرب تا اندازه قابل توجهی شاهد خصوصی سازی امر تامین امنیت در برابر بزهکاری هستیم. به عبارت دیگر امروزه همکاری و مشارکت جامعه مدنی در تامین امنیت، در کنار پلیس صلاحیتدار و توانا که مجهز به امکانات و دانش روز آمد باشد، امری اجتناب ناپذیر می‌نماید.